

بهره‌کشی والدین از کودکان: دولت چه می‌کند؟

Photo: lucidwaters/depositphotos.com

راضیه امیری

- داشتیم سر چهارراه کار می‌کردیم که مامورای بهزیستی اومدن و گفتن باید بریم مرکز افسریه. ما رو پدر و مادرمون مجبور می‌کردن بریم خیابون اما خب ... از مادرمون که نمی‌تونیم دل بکنیم... من دوست دارم معلم بشم اما می‌دونم آگه تو خیابون کار کنم شاید هیچ وقت به آرزوم نرسم.

جمله‌های بالا حرف‌های **گلپری**، یکی از کودکان کار است که در طرح ساماندهی کودکان کار به «مرکز دخترانه افسریه» منتقل شده است.

صغری، یکی دیگر از کودکان کار **می‌گوید**: «در چهارراه روزی ۰۳ تا ۰۵ هزار تومان درآمد داشتم که شب به شب آن را به پدر و مادرم می‌دادم.»

[عضو کانال تلگرام خانه امن بشوید.](#)

به طور کلی کودک‌آزاری را می‌توان به چهار دسته جنسی، جسمی، عاطفی و بر اثر غفلت تقسیم کرد اما هر گونه غفلت و سهل‌انگاری، آسیب جسمی یا روحی و روانی، سوءاستفاده جنسی یا بهره‌کشی و عدم رسیدگی به نیازهای اساسی کودک از سوی افراد دیگر، کودک آزاری **محسوب می‌شود**.

بر این اساس، اجبار کودکان به کار و کسب درآمد برای والدین مصداق بارز کودک‌آزاری است.

سال ۳۷۳۱ ایران پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک را امضا کرد و تعهدات مربوط به کودکان کار و خیابانی را به صراحت پذیرفت، اما با گذشت ۵۲ سال، هنوز این کودکان به رسمیت شناخته نشده‌اند و جمهوری اسلامی حتی از ارائه آمارهای مربوط به کودکان کار ابا دارد.

از سوی دیگر ماده ۹۷ قانون کار تدوین شده در ایران، اشتغال به کار کودکان زیر ۵۱ سال را ممنوع دانسته است، اما قانون برای کودکانی که مجبور به کار برای والدین خود هستند چه کرده است؟ کودکانی که محل کارشان خیابان است.

سوسن مازیارفر، فعال حقوق کودک، درباره کودک‌آزاری در یکی از خانواده‌ها **می‌گوید**: «پدری تمام همسران و بچه‌هایش را به واسطه اعتیادی که دارد مجبور می‌کند هر روز کار کنند و گاهی در محل کارشان یا حتی دم در خانه می‌ایستد و هر کدام که حداقل ۰۵ هزار تومان کار نکرده باشند، اجازه ورود به خانه را ندارند؛ یعنی باید روزی ۰۵ هزار تومان کار کنند و اصلاً مهم نیست که این پول از چه طریقی به دست بیاید. مهم این است که در انتهای روز این پول برای پدر کسب شده باشد. چهارراه‌هایی که این بچه‌ها در آن‌ها کار می‌کنند به شدت ناامن هستند.»

نوزادانی که به دنیا می‌آیند تا فروخته شوند

نوع دیگری از بهره‌کشی از کودکان، فروش و حتی پیش‌فروش آن‌هاست. والدینی که تنها برای کسب درآمد کودکانی را به دنیا می‌آورند.

عباس یزدان‌پناه، مدیرعامل سازمان فرهنگی اجتماعی کیانا، با تایید **این مسئله** در این باره اذعان می‌کند که در شهر بزرگی همچون کرج، این موضوع بسیار اتفاق می‌افتد و حتی هدف برخی این است که برای فروش، نوزاد به دنیا بیاورند. کودکانی که برای فعالیت‌هایی همچون تکدی‌گری به فروش می‌رسند و بسیاری پیش‌فروش هم می‌شوند.

یکی از مددکاران اجتماعی دروازه‌غار تهران درباره پدیده فروش کودکان **می‌گوید**: «موردی داشتیم که برای ساکت کردن نوزاد چهار ماهه خودش به او متادون می‌داده و در کنار نوزاد، شیشه مصرف می‌کردند که بچه دچار حمله‌های شدیدی شده بود. هر کاری می‌کردیم که بچه را از مادر بگیریم و او را درمان کنیم قبول نمی‌کرد. بعداً که با او صحبت کردیم از مشتری پنج میلیون تومانی برای بچه گفت و اینکه اگر او را به ما تحویل می‌داد، مشتری از دست می‌رفت. البته در نهایت به دلیل حال بد کودک مجبور شد و او را به ما داد.»

فروش جنسی کودکان

- پدر معتادم به خاطر همین پولی که الان دست توست یک شب مرا دست صاحب‌خانه‌مان سپرد. خدایا چه قدر می‌گیری روز قیامت قبل از اینکه تو ازم بپرسی، من از تو بپرسم چرا؟

اینها حرف‌های **لیلا** است که بر روی یک اسکناس نوشته شده.

والدین خشونت‌گر نه تنها کودکان خود را مجبور به کار می‌کنند، بلکه آن‌ها که معتاد هستند حتی در صورت نیاز، فرزندان خود را نیز به عنوان کارگر جنسی به کار می‌گیرند. والدینی که برای یک شب رفع نیاز خود، کودکان خود را مجبور به همخوابگی با مردان غریبه می‌کنند.

دولت چه می‌کند و چه باید بکند؟

ماده ۹۱ پیمان‌نامه حقوق جهانی کودک صراحتاً از دولت می‌خواهد مقابل رفتارهای خانواده خشونت‌گر از کودک حمایتی بلا شرط به عمل آورد. این پیمان‌نامه از این مسئله به عنوان «حق کودک» یاد می‌کند.

این متن ماده ۹۱ مندرج در **پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک** است: «کودکان حق دارند در مقابل آسیب یا بدرفتاری جسمی یا ذهنی مورد حمایت قرار گیرند. دولت‌ها باید مطمئن شوند که کودکان به درستی مورد مراقبت قرار می‌گیرند و از آنان در مقابل خشونت، سوءاستفاده و غفلت والدینشان یا هر کس دیگری که از آن‌ها مواظبت می‌کند، حمایت کنند.»

متأسفانه در ایران اما از این نظر وضعیت به هیچ وجه مطلوب نیست.

مظفر الوندی، دبیر مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک، شاید یکی از صاحب‌صلاحیت‌ترین افراد برای گزارش‌دهی در باره این موضوع باشد.

بیشتر بخوانید:

[نسبت حاشیه‌نشینی با خشونت خانگی علیه کودکان](#)

[افشای خشونت خانگی: خطوط مرزی و تردیدها](#)

[چه کسانی دختران را خانه‌نشین می‌خواهند؟](#)

او که در این حوزه جلساتی با نمایندگان مجلس داشته، می‌گوید: «متأسفانه دیدگاه برخی نمایندگان مجلس نسبت به کودکان کار وحشتناک است و کودک را فردی صاحب حق نمی‌دانند.»

الوندی با اشاره به گستردگی بهره‌کشی والدین از کودکان به این نکته اشاره می‌کند که «مسئولان سازمان‌های حمایتی «بیشتر تمایل دارند تا القا کنند بخش زیادی از این کودکان تحت پوشش باندهای کودکان خیابانی در خیابان‌ها رها هستند. این در حالی است که به گفته دبیر مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک، تجربیات نهادهای مدنی چیز دیگری می‌گوید.»

او به صراحت دفاع از کودکان مقابل خانواده‌های خشونت‌گر را «وظیفه دولت» می‌داند و در این باره **می‌گوید**: «اگر والدینی کودکشان را آزار می‌دهند، آن‌ها را می‌فروشند، اجاره می‌دهند یا مجبور به کار می‌کنند، نهادهای مسئول باید از کودک حمایت کنند. اغلب فعالان کودک از اینکه بهزیستی کودکانی را که مورد خشونت واقع شده‌اند به والدینشان بازمی‌گرداند، شکایت دارند. خانه‌هایی که نه تنها امن نیست بلکه می‌توانند خطرناک‌ترین جای ممکن باشند.»

کودکان، بی‌صداترین‌ها

بدیهی‌ست با توجه به **جمعیت میلیونی کودکان خیابانی در ایران** و وجود باندهای گسترده بهره‌کشی از کودکان، دولت باید تمام قد به این مسئله ورود کند، اما مشکل این است که حتی در پیش‌فرض‌هایی چون صاحب حق بودن کودکان، از سوی برخی مسئولان مربوطه تردید وجود دارد.

همچنین رصد جریان محافظه‌کار حاکم بر ایران **نشان می‌دهد** به بهانه‌هایی همچون «حفظ حریم خانواده»، از دخالت دولت در حمایت از حقوق کودک در مقابل خانواده خشونت‌گر راضی به نظر نمی‌رسد و از آن با تعابیری همچون «سست کردن بنیان خانواده» یاد می‌کند.

تردیدی نیست که از نهادها یا مسئولینی که کودک را فردی وابسته می‌دانند نه یک انسان مستقل، نمی‌توان انتظار داشت برای حمایت از حقوق کودکان مقابل خانواده‌های خشونت‌گر اقدامی کنند، اما این واقعیت بر مسئولیت نهادها و چهره‌های مدنی در حمایت از حقوق

کودکان می‌افزاید. کودکانی که از بی‌صداترین اقشار جامعه هستند.